تحلیل مقایسه‌ای رژیم مالی قراردادهای بیع متقابل و قرارداد نفتی ایران (IPC)
مطالعه موردی میدان آزادگان
روح الله کهان هوش نزاد
دکتری مدیریت قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز، دانشکده اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع) (توپنده مسئول)
kohan3@gmail.com
داور مرکز دانشگاهی اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع)
manzoor@isu.ac.ir
مسعود امانی
استاد دانشگاه حقوق دانشگاه امام صادق (ع)
amani.masoud@gmail.com

نظام بر اساس قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز و مزیزان سرمایه‌گذاری (IPC) از دو منظور کارآمدی نظارت طراحی شده و میزان قیمت‌بر (واقعی) طرفین از پروژه قابل مقایسه است. مقایسه قراردادهای بیع متقابل با قرارداد جدید نفتی ایران (IPC) از دو منظور ملاحظات اقتصادی کارآمد بودن و سایر مدل‌ها و میزان واقعی سرمایه‌گذاری خارجی (از طریق سرمایه‌گذاری در پروژه میدان نفتی آزادگان) حاکی از کارآمدی بودن نظام مالی قرارداد (IPC) به استثنای نظام مالی (که به منظور بهبود متعاقب و مطلوب تر بودن و کمترین ترکیبات آن برای کشور میزان (ایران) است.

D86: JEL

واژگان کلیدی: رژیم مالی، قرارداد بیع متقابل، قرارداد نفتی ایران (IPC)، سرمایه‌گذاری، ایران

تاريخ پذیرش: 1398/9/8
تاريخ دریافت: 1398/4/18
1. مقدمه

قراردادهای نفتی چارچوب هایی هستند که از زمان کشف نفت، به عنوان ابزار رسیدن به منافع مشترک طرفین قرارداد به دست می‌بیند و شرکت یپمانکار و تنظیم روابط آن‌ها به کار گرفته شده‌اند. مفاد قراردادهای نفتی به طور عمده از شرط حقوقی، شرط فنی و مهندسی و شرط مالی و حسابداری تشکیل شده که این شرط‌ها در عین حال که دارای ماهیت منحصربه‌فرد هستند، ولی در یک قرارداد نفتی در کنار یکدیگر مجموعه‌ای پیکاری‌ها را تشکیل داده و در ارتباط و تأثیر و تأثیر مستقیم از هم قرار دارند (خانمی و کریمیان، 1393: 679).

نظام با رژیم مالی ۱ حاکم بر قراردادها از مهم‌ترین وجوه تفاوت قراردادها با یکدیگر است.

برخی معترضند به بیش از ۸۰ درصد مفاد قراردادهای بالادستی یکسان بوده و آن‌چه آنها را از یکدیگر متمایز می‌سازد، نظام مالی این قراردادهای است (دوال، ۲۰۰۹). 

نظام مالی قرارداد مقرر می‌کند که چگونه عواید و درآمد‌های ناشی از اجرای یک قرارداد نفتی در دولت صحاب نفت و شرکت‌های بین‌المللی تقسمی می‌شود. نظام مالی باید به گونه‌ای طراحی شود که اهداف اقتصادی دولت میزبان را حفظ کرده و منافع آن را بیشینه سازد. از سوی دیگر، نظام مالی باید درآمد‌های شرکت نفتی را کنترل نموده و در عین حال به اندازه کافی جذاب باشد تا بتواند آن را به سرمایه‌گذاری ترغیب نماید (تورودو، ۲۰۰۷).

ایران به عنوان یکی از پرگذرین صادر کننده نفت در طی حدود ۲۰ سال از قرارداد بیع متفاوت یارای توسعه صنعت نفت خود استفاده کرده لکن در سال ۱۳۹۲ از قراردادی تحت عنوان

1. که به ثبت و ضبط هزینه‌ها و نظارت بر آن‌ها از یک سو و سازوکار بازیافت هزینه‌ها و دریافت سود سرمایه‌گذاری

با حق الزحمه بر حسب نوع قرارداد از سوی دیگر اختصاص دارد.

2. Fiscal Regime
3. Duval
4. Tordo
تحلیل مقایسه‌ی رژیم مالی قراردادهای بیع متقابل

"قرارداد نفتی ایران (Iran Petroleum Contract) تولید و خدمت، آن به عنوان قرارداد "نوع چهارم" یاد شده، رونمایی شد که قرارداد نفتی مربوط به پایش به تاریخ‌ها و خلاصه‌های موجود در نسل‌های مختلف قرارداد بیع متقابل و غیرجداب بودن این نوع قرارداد از نظر نظر شرکت‌های خارجی، نه به تدوین شده است.

در این مقاله قصد داریم به مقایسه رژیم مالی قراردادهای بیع متقابل با قرارداد IPC پردازیم.

این مقایسه از دو منظر ضرورت می‌گیرد: برای این منظور، ابتدا بی بررسی چالش‌ها و الزامات طراحی رژیم مالی بهبود در صماعت نفت برداخته و ملاحظات اساسی در طراحی رژیم مالی قراردادهای نفتی انتخاب شده و از این رهگذر، به مقایسه رژیم مالی قراردادهای بیع متقابل و خواهیم پرداخت. در نگاه دوم، با توجه به اینکه اصلی ترین شاخص برای انتخاب مقایسه‌ای کلی از رژیم‌های مالی، میزان سهم‌بای طرفین از پروژه است، ارزش اسی و واقعی (زمانی) سهم‌بایی پیمان‌کار در قرارداد بیع متقابل در میان نفتی اآزاد گان را محاسبه و با استفاده از تکنیک شیب‌سازی، با حالت قرارداد IPC مقایسه‌ی خواهیم کرد.

1. بخش‌های پژوهش

با توجه به جدید بودن بحث، مطالعات درخصوص قرارداد جدید نفتی ایران (IP) به ویژه رژیم مالی و مقایسه آن با سایر قرارداد‌ها انجام شده است. در یکی از مطالعات انجام شده، عسكري و همکاران (۱۳۹۴) معقدندن قراردادهای مشارکت در تولید (PSC، بیع متقابل (BBC) و اخیراً نفتی ایران (IP) به منزله سه رقیب در حوزه بالادستی صنعت نفت و گاز کشور به‌شمار می‌رود. لذا با هدف ارزیابی اهداف اقتصادی این سه قرارداد نسبت به یکدیگر و برپایی روش بین‌مزراعی ایستا، آنها را از منظر دو مؤلفه اقتصادی مهم سطح وسایل‌گذاری و تولید بهبود نفت مقایسه کرده و در نهایت اولویت‌بندی کردند. سرانجام برپایی رویکرد ساختاری نتیجه‌گیری‌های گرفته‌اند که قراردادهای بالادستی مشارکت در تولید، نفت ایران و بیع متقابل از نظر سطح سرمایه‌گذاری بهبود به ترتیب در
رتبه‌های اول تا سوم قرار دارند و از نظر سطح تولید به‌هنه‌ته نیز در صورت مشارکت بیشتر بخش خصوصی و دخال‌های کمتر می‌باشد. به‌نام سیاست‌های اقتصادی، سال بیست و ششم، شماره ۵۸، بهار ۷۹۳۱

را بر توصیع به‌دست می‌آید (IPC) تأثیر اعمال الگوی جدید قراردادهای جدید نمایی ایران (NIOC) آرا بر نوع میادین و تولید بر اساس میانگین ضریب بازار در میانگین گزاری و نفتی تخمین زده شده است. طبق نتایج به‌دست آمده، خالص ارزش فعلي شرکت ملی، نفت ایران (Bray) هر دو نوع میادین گازی بزرگ و کوچک، در صورت قرارداد خدماتی صرف بیشتر می‌باشد. آمین میادین نفتی، خالص ارزش فعلي این شرکت در صورت قرارداد جدید نمایی (IPC) برای میادین کوچک بیشتر از حالتی است که این شرکت این میادین را از طریق قرارداد خدماتی صرف توجه دهد. در حالی که برای میادین نفتی بزرگ‌ها، خالص ارزش فعلي شرکت ملی نفت ایران در صورت قرارداد جدید نمایی صرف بیشتر می‌باشد.

البته در چندین‌الاخر مطالعات مقایسه‌ای نسبتاً خوبی نمایی از صورت سایر انواع قراردادهای نمایی انجام شده است. به عنوان مثال در مطالعه کامپیوتر نیک آبادی و همکاران (۱۳۹۴) قراردادهای بیش متقابل گزاری از منظر اقتصادی مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند و به‌منظور ارزیابی بهتر، این قراردادها با قرارداد مشارکت در تولید مقایسه شده‌اند. براک این مقاله، نمایی‌های ۲ و ۳ و همچنین ۴ و ۵ میادین گازی پارس جنوبی اختیار شده‌اند. و چون این پروژه‌ها در قالب قرارداد بیع متقابل و اگذار شده‌اند، ضمن تعرف سه‌لایه متفاوت، قالب قراردادی مشارکت در تولید برای آنها شیب‌سازی شده است. پس از استخراج سه‌لایه برتر در قالب قرارداد مشارکت در تولید برای هر دو پروژه مشخص شد در اجرای فاز ۲ و ۳ پارس جنوبی، استفاده از قرارداد مشارکت در تولید و در فاز ۴ و ۵
3. نظام مالی قراردادهای خدماتی بیع متقابل

قرارداد بیع متقابل یکی از انواع قراردادهای خدمت است که وزیگی های منحصر به فردی دارد و از این جهت بعضاً تحت عنوان یک روش قراردادی چندگانه بیان می شود. قرارداد بیع متقابل ممکن است ضرفاً برای توسعه میزان کشف شده و یا برای اکتشاف و توسعه به صورت نوآم استفاده شود. از آنجا که اکثریت قاطع قراردادهای بیع متقابل که تاکنون منفقات شدهاند و کلیه قراردادهایی که تاکنون اجرای شدهاند، در اینجا نیز مدل مالی و مالیاتی بیع متقابل توسعه مورد بررسی قرار می گیرد.

در قراردادهای بیع متقابل "هزینه های نفی"، به چهار گروه هزینه های سرمایه ای و عملیاتی، هزینه های غیر سرمایه ای و هزینه های بانکی تقسیم می شوند که با پرداخت هر گروه تابع نظام خاصی است.

1. Feng

2. این قراردادها به توه خود به دو دسته قراردادهای خدماتی صرف و قراردادهای خدماتی ریسکی تقسیم می شوند. تفاوت این دو دسته در این است که در یکی پرداختها به دولت نات (خدماتی صرف) است و در دیگری پرداختها براساس مقدار سود حاصل شده (قراردادهای خدماتی همراه با ریسک) حساب می شود. نوع دیگر قراردادهای نفی، قرارداد با موافقت نامه مشارکت در تولید (PSA/PSC) می تواند برای اکتشاف، توسعه و تولید، یا نهایا برای توسعه یک میزان نقصی با ترکیب از این دو مورد استفاده قرار گیرد. اگر دولت میزان، شرکت جوینت و طرفین پیمانکار نیز با به طرفین سرمایه های خود را به تاسیس پرداخت نموده و سهم مشارکت خود از Mian, (2011, p. 247).

3. Petroleum Costs
شرط اصلی استحکام پیمانکار برای پژوهش‌های وجوه‌های و حوالی‌های تحقیق و تحقق اهداف عملیات
توسعه (از جمله رسیدن به تولید نهایی تغییر شده در طرح جامع توسیع و تغییر تأییدتیات به
کارنفرما) است. در صورتی که پیمانکار به این سطح از تولید نرسد، اساساً مستحکم دریافت
هیچ گونه مبلغی نخواهد بود. از طرفی در صورتی که بعد از رسیدن به تولید نهایی، کاهش تولید
روی دهد، با جرم‌هایی بیش‌پیشی شده در تعیین حوالی‌های مشابه شده خواهد شد
(زهی، 1388: 189). طیبی است در کار حزیه‌های قابل پژوهش‌بندی، برخی از هزینه‌ها غیرقابل
پژوهش باشند. در روند حسابداری مدل اکتشافی توسیع‌های قرارداد بیع به تقسیم هزینه‌های غیرقابل
پژوهش در 18 بخش طبقه‌بندی شده‌اند، که از میان مهم‌ترین آنها می‌توان به هزینه‌های تأسیسی
خارج از ایران، هزینه‌های ناشی از تخلف پیمانکار در اجرای عملیات توسیع مطاوی استانداردهای
عمومی صنعت نفت و هزینه‌های مربوط به کسرو و عوارض قانونی پرداختی در خارج از ایران
اشته‌کرد (حاجی‌نیا و آکیما، 1393: 449).

افزون بر هزینه‌های نفتی، پیمانکار در برای انجام عملیات نفتی سازوار حوالی‌های این است. به
عبارت دیگر، در برای سرمایه‌گذاری پیمانکار و ریسک‌پذیری وی، مبلغ ثابتی در قرارداد به عنوان
پاداش برای پیمانکار در نظر گرفته می‌شود که به آن حوالی‌های اطلاق می‌شود. حوالی‌های زمینی
به پیمانکار تعلق می‌گیرد که به اهداف تولید (آنگونه که در طرح جامع توسیع شده است)
برسد (ابراهیم و شیروی، 1388: 252). حوالی‌های از اساس «نرخ بازگشت سرمایه» مطرح در
قرارداد و با لحاظ سقف هزینه‌های سرمایه‌ای، برآورد هزینه‌های غیرسرمایه‌ای، جریان نقدی
بروزه شاخص جدول سرمایه‌گذاری و بازپرداخت و نرخ بهره هم می‌شود. پس از تغییر، چنانچه فرضیات محاسبه حق حوالی‌های، مثل جریان نقدی
بروزه، تغییر کند، حق حوالی‌های قابل افزایش نیست ولی اگر همه نرخ بازگشت سرمایه‌ای منجر
شد، حق حوالی‌های نا سقف نرخ بازگشت سرمایه کاهش پیدا می‌کند (شیروی، 1393: 438).

1. Remuneration Fee
2. Rate of Return (ROR)
3. Cash Flow (Cash out and Cash in)
در صورت تغییر تولید نسبت به مقدار تعیین شده در قرارداد نیز پیمانکار مشمول تعديل حق
الزحمه خواهد شد و نسبت به کاهش تولید باید افزایش تولید به همان نسبت حواله وی نیز 
تعديل خواهد شد (رکی حسینی، 1393: 114). بنابراین در قراردادهای بیع متقابل نرخ بانگشته
سرمايه به عنوان یک عامل کنترل درآمد پیمانکار عمل نموده كه در قراردادهای مشارکت در
تولید این کار بر عهده فاکتور R است.

4. نظام مالی قرارداد IPC

در کلیات مدل ارائه شده برای قرارداد IPC در سیستم "هم اندیشی نظام جدید قراردادهای صنعت
نفت" (تهران: اسپندماه 1392) که برای نخستین بار از ساختار کلی، و برخی شروط قرارداد نفتش

1. شابان ذکر است برای نقابه خاکی، بیماری از پارامترهای
مالی در قراردادها (بهره مالکانه، مالیات، هزینه از بازیافت(نتیجه هزینه) و نحوه تقسیم نفت سود به مقیاس
متبیین) (Sliding Scale) متنی تغییرات متوسط به شکل تولید نفت و یا به ترکیبی از عواص فرو و ابسته می‌شود.

(ميان، 2011، pp. 266-267). در قراردادهای مشارکت در تولید، نفت پرداز درصد از تولید شده در
مذاکرات، میان دولت میزان و شرکت تقسیم می‌شود. این تقسیم می‌تواند ثابت و یا متغیر مرتبی با نرخ روزانه یا
تجمعی تولید و یا تصادعی در منابع منابع سود‌آوری پرتوی شاخه‌های مالکانه و تغییرات در بازگشته
در قراردادها (ROR) است. در نظام متنی بر نظر بانگشته، سهمی مؤثر دولت با افزایش نرخ بانگشته پرتوی
افزایش می‌باید. در واقع هدف نرخ بانگشته و فاکتور R، مرتبی کردن سهمیه بر دولت و پیمانکار به سود‌آور
پرتوی است (100). (ناخله، 2010، p. 268). در بیشتر قراردادها از فاکتور 3 برای تعمیم مقیاس متغیر استفاده
می‌شود. فاکتور R، در واقع عبارت است از نسبت درآمد تجمعی پیمانکار بعد از کسر بهره مالکانه و مالیات به
هزینه تجمعی پیمانکار از روزی که قرارداد را معکوس کرده است. نقطه یک نفره سر به سری اقتصادی برای
پیمانکار به حساب می‌آید (Mian، 2011، p. 268).

2. در پی دستور وزیر نفت می‌توان بر ارائه پیشنهادات از تمایل برای ایجاد اصلاحات در مفاد و ساختار قراردادهای بیع متقابل
با هدف حفظ حرفه بهتر مالی و ثروت کشور و نیز تداوم حاکمیت ملی بر منابع هیدروکربوری با استفاده از تجارب صنعت
نفت کشور و همچنین جلب سرمایه‌های خارجی به‌عنوان (کمیته‌بندی در قراردادهای
نتیجه) به ریاست سیدمهدی حسینی تشکیل و متاثر آن سیستم‌های تحت (هم اندیشی نظام جدید قراردادهای
صنعت نفت) جهت روند از کلیات مدل جدید قراردادی در اسپندماه 1392 در تهران برگزار شد.
جديد به وسیله "کمپیته بازنگری قراردادهای نفتی" تحت عنوان "قرارداد نفتی ایران" رونمایی شد.

تدوین کتب و گزارش‌های ابن اولعیه: قراردادهای اعلام کردند در قرارداد نفتی ایران بس از قراردادهای امیزاز، مشارکت در تولید و خدمت، به عنوان قرارداد نوع جهانی اعلام شده است.

براساس مدل ارائه شده از IPC، هزینه‌های نفتی شامل هزینه‌های عملیات اکتشاف، توسعه و تویید، از محل نفت هزینه مستهلك، انواع شرکت تیز تعیین شده است: نفت هزینه‌های بخشی از تولید تخصیص داده شده برای بازیافت نفتی‌های نفتی شامل کلیه هزینه‌های متزئب بر اکتشاف، توسعه، تویید، هزینه‌های پول به همراه حق لحاظ و بهره‌برداری به وسیله متصدی‌های اکتشاف با متصرف توسعه، متصرف تولید حسب مورد است. نفت هزینه نمی‌باشد از ۵۰ درصد در آمده که تا تولید میاند نرارت به (کمپیته بازسازی قراردادهای نفتی)، به تحویل نامه مورخ ۱۳۹۷/۸/۳۱ و یا در صورت تعلیق شهید است: "رفعی می‌باشد که متاسف با هر بخشی تولید اضافی نفت خام از میدان‌ها/ مخزن‌های گازی مستقل، حسب مورد از مبلغ می‌باشد که از آن تحت عنوان یا از صورت افزایش در خرید آلترنات نفتی ایران، از یک طرف به واسطه اختصاص بخشی از محققانتون به میاند نرارت (حدود ۵۰٪) به شرکت نفتی بین المللی، عمل آن را به یک قرارداد مشترک در تولید تبدیل کرده است. ولی از طرف دیگر از میاند نرارت نفت به میاند نرارت، یا مکعب استاندارد گاز و هزینه‌های بازیافت هزینه‌های میاند نرارت, از میاند نرارت حساب مورد جهت اجرای طرح از محل حداقل ۵۰ درصد از نفت خام با میاند نرارت گازی تولیدی پذیرفته و ۲۵ درصد از گاز طبیعی اضافی و دیگر محصولات و با عواضی آن‌ها بر پایه قیمت روز فروش محصول پس از رسیدن به تولید اولین انجام می‌شود. پایان دوره قرارداد مانع از بازپذیری هزینه‌های باقیمانده، با شرایط مندرج در قرارداد نمی‌گردد.

1. Oil Contracts Restructuring Committee

| ماده ۶ بند پ: دستور در برای تولید هر بخش انفجاری از میدان‌ها با مخزن‌های نفتی یا در هزار قوت مکعب استاندارد گاز و هزینه‌های بازیافت هزینه‌های میاند نرارت, از میاند نرارت حساب مورد جهت اجرای طرح از محل حداقل ۵۰ درصد از نفت خام با میاند نرارت گازی تولیدی پذیرفته و ۲۵ درصد از گاز طبیعی اضافی و دیگر محصولات و با عواضی آن‌ها بر پایه قیمت روز فروش محصول پس از رسیدن به تولید اولین انجام می‌شود. پایان دوره قرارداد مانع از بازپذیری هزینه‌های باقیمانده، با شرایط مندرج در قرارداد نمی‌گردد.
آنجا که هزینه توسعه مالی قراردادهای بیع متقابل را می‌توان یک نوع "مشارکت در تولید کنترل شده" نامید، زیرا در آنها شرکت نفت بین المللی در بخشی از نفط شرکت می‌شود و لی میزان سهم آن از نفت تولیدی بر اساس دلار به ازای هر بشکه نفت تعیین می‌گردد (شیرودی، 1393: 433 و 434). به بیان دیگر، از آنجایی که در قرارداد نفتی ایران همیون قرارداد بیع متقابل تسهیل مالی به مُنتبضات پیمانکار (بدون ارائه هر گونه ضماناتی از سوی دولت میزبان) نهنگشده و محل عُبادت میدان صورت گرفته و از طرفی وی پس از بیافزایی مطالبات نیز همیون قرارداد مشارکت در تولید همچنان در بخشی از عُبادت میدان تا پایان مدت زمان قراردادی سه‌ساله است، از این رو می‌توان نتیجه گرفت که توسعه قرارداد نفتخانه ایران تکی‌پی از این سازوکار در قراردادهای نفتی بیع متقابل و مشارکت در تولید است (عسكری و همکاران، 1394: 128).

به‌عنوان عملیاتی قرارداد نفتی ایران که توسط شرکت نفتی خارجی صورت می‌گیرد بسیار دسته‌زیر تقسیم‌بندی می‌شود (حسینی، 1393: 66):

1- هزینه‌های سرمایه‌ای مستقیم (DCC): در پرداخته‌های خارجی است که برای ارزیابی و توسعه میدان و دستیابی به اهداف برنامه توسه‌ی ضروری است. این هزینه‌ها به دو دسته تقسیم می‌شود:

   - هزینه‌های سرمایه‌ای مستقیم برای دستیابی به هدف تولید اولیه
   - هزینه‌های سرمایه‌ای مستقیم برای دستیابی به اهداف تازه فاقد

2- هزینه‌های غیرمستقیم (IDC): مشتمل بر هزینه‌های است که متصدی عملیات توسه‌ی در بازه‌زمانی انجام عملیات به راه‌اندازی دولت ایران برداخت می‌کند و در فرآیند بازیافت مطالبات به وی بازپرداخت خواهد شد.

1. Direct Capital Cost
2. Indirect Capital Cost
۵. ملاحظات اساسی در طراحی رژیم مالی قراردادهای نفتی

برای طراحی یک نظام مالی مناسب، با دید عوامل گوناگون اقتصادی، حقوقی، اجتماعی و سیاسی مدل فعالیت‌های اقتصادی بسیار سخت است. همچنین ملاحظات اولویت ذاتی برای اجرای اولویت‌های اقتصادی اهمیت دارد. برخی از مهم‌ترین ملاحظات عبارتند از:

- اولین نظام مالی باید بتواند به سه اصلی استادی که می‌تواند میزان برداشت از میزان محقق گردد. به این منظور باید تولید صیانت از میزان مدار مصرف قرار گیرد. ایجاد این‌گونه برابری حداکثر برداشت و افزایش نرخ باید با استفاده از آخرين تکنولوژیها بايد در نظام مالی در نظر گرفته شود.

1. Cost of Money
2. Sahebonar
تحلیل مقایسه‌ای رژیم مالی قراردادهای بیع متقابل در مدل قرارداد... 199

گرفته شود. حضور طولانی تر شرکت‌های نفتی در میدان و سهم شدن آنها در عواید حاصله در 
این جهت توجه می‌شوند.

- ۴ دوم اینکه سهم دولت صاحب نفت به حداکثر برسد. به این منظور باید ترتیبات پیش‌رویی گردید که 
شرکت‌های نفتی تنها نزدیک بهدست آورند. اتخاذ معیارهای تعیین‌بندی نظیر تفاوت

و با اعمال مالیات‌های سنگین برای درآمد‌های بادآورده و اتفاقی در این جهت است.

- ۵ سوم، کاهش هزینه‌های توسط منابع نظام مالی قرارداد طریقی می‌شود که

شرکت‌های نفتی هرچه بیشتر هزینه کنند، باداش بیشتری دریافت می‌کنند. مثل: آگر میزان 
پاداش پیمان‌کاران با میزان هزینه‌های آنها مرتب باشد بنحوی که هرچه بیشتر هزینه کنند پاداش 
بیشتری می‌گیرند، در این صورت شاید پیمان‌کاران توانایی به صرفه‌جویی نداشته باشند. حذف

بهره بانکی از هزینه‌های سرمایه‌ای و مرتب گردید پاداش با عوامل دیگر غیر؛ از میزان هزینه

می‌تواند در رابطه با رفع این نگرانی لاحظه شود.

- ۶ چهارم، بايد بین ریسک‌هایی که شرکت‌های نفتی تقلیل می‌کند و باداش‌که به آنها داده‌می‌شود، 
تعادل وجود داشته باشد. آگر از پیمان‌کاران خواسته می‌شود که ریسک عملیات اکتشاف را 
تقلیل کند و اگر میزان تجاری کشف نشد، حقی به بازیافت هزینه‌ها اکتشافی ندارند، در 
این صورت باید پاداش درخوری به آنها داده شود که ریسک آنها را جبران کند (شیروی،

۱۳۹۳: ۴۴۱-۴۵۱).

۵- ۱. مقایسه رژیم مالی قراردادهای بیع متقابل با قرارداد IPC براساس ملاحظات اقتصادی

باتوجه به مطالعات فوق و ملاحظات اقتصادی استخراج شده برای یک رژیم مالی مناسب، اکنون 
می‌خواهیم به مقایسه قراردادهای بیع متقابل و IPC بپردازیم.

مدت قرارداد

اولین ملاحظه در این خصوص، مدت قرارداد است. در بیع متقابل، طول دوره قرارداد بین

۷- ۵ سال بوده است و همانطور که اشاره شد پیمان‌کار تنها در دوره نوسه (و اکتشاف در 
قراردادهای اکتشاف و توسعه) حضور داشته است و بهره‌برداری از میدان توسط شرکت می‌گست
سورت می‌گرفته است. یکی از انتقادات وارد شده به قرارداد بیع متقابل این است که به سبب کوتاه‌مدت بدون قرارداد، پیمان‌کار منافع خود را در راستای منافع شرکت ملی نفت ایران و تولید صیانتی از میزان نفتی، صنعتی و سیاست‌های اقتصادی، سال بیست و ششم، شماره ۵۸، بهار ۷۹۳۱، نمی‌پذیرد؛ از این رو با توسل به روش‌هایی، در پی آن است که مخزن نفتی در طول دوره استهلال، حداقلی تولید را به ارمعان یاردو تا هزینه‌های نفتی و حق‌الرحمه وی در مدت قرارداد، بازاریابی شود. در بسیاری از موارد ممکن است روش‌های مزبور باعث آسیب جدی مخزن شوند؛ به نحوی که در قرارداد مسجویت تولید افزایش یابد و لیک در طول عمر میزان، امکان تحقق بالاترین نرخ بهره‌وری و بایاقت نفت محقق نشود (حاجی‌نیا و کریمی‌نیا، ۱۳۹۲: ۵۹۲). در واقع، بعد از سیستم در تولید به سطح پنج مدرک در قرارداد طی یک دوره ۲۸ روز در پایه روزه، پیمان‌کار مسئولیت در قبال افت تولید در دوره بهره برداری نداشته است (طاهری فرد و صاحب‌نهضت، ۱۳۹۵: ۴۹).

مدت قرارداد جدید نفتی ایران به دلیل یکپارچگی عملیات نفتی و قلمرو خدمات، شامل عملیات اکتشاف، توسعه، تولید و عضویت، صنعتی و نگهداری طرفین تولید و ارتباط بهبود بازاریابی نفت، در مقایسه با قرارداد بیع متقابل، طولانی تر است؛ این امر در کنار سازوکار بازاریابی در هزینه‌ها و حق‌الرحمه و مشترک پیمان‌کار در منافع نفتی از پیک سو و هم‌روستایی منافع طرفین قرارداد به بهره‌وری عملیات نفتی از سوی دیگر، می‌تواند تولید صنعتی از میزان صنعتی از پیک سو و هم‌روستایی منافع طرفین خواهد داشت (حاجی‌نیا و کریمی‌نیا، ۱۳۹۲: ۵۹۲). در واقع، طول دوره قرارداد در بین IPC ۲۵ تا ۲۰ سال است. علاوه بر عوامل حاصل از میزان، حضور بلندمدت شرکت خارجی در ایران متضمن منافع غیرمستقیم و استراتژیک همچون دسترسی بلندمدت به منابع انرژی مطلوب است (طاهری فرد و صاحب‌نهضت، ۱۳۹۵: ۴۹).

یکپارچگی مراحل تولید

ملاحظه دوم، یکپارچگی مراحل تولید است. توضیح اینکه پروردهای نفتی کارکرده یکپارچه دارند، به نحوی که عملیات اکتشاف، توسعه و تولید هم‌زمان، به سبب ویژگی‌های فنی، مهندسی و تکنولوژیک یک پرورده با دارای ارتباط مستقیم و مؤثر بر یکی‌گرندگی؛ به عبارت دیگر...
پس از اکتشاف یک میدان، برنامه توسعه بر اساس اطلاعات حاصله از مرحله اکتشاف و ارزیابی تهیه شده و پروژه وارد فاز توسعه می‌شود؛ پس از اجرای عاملیت توسعه و ایجاد زیرساختهای لازم برای تولید، برنامه تولید میدان بر اساس داده‌های عملیات توسعه تهیه و اجرای می‌شوند. در قرارداد بیع متقابل، تصدی گروه عملیات توسعه بر عهده پیمانکار و تصدی گروه عملیات تولید با شرکت ملی نفت ایران است؛ ترتیب مقرر در این نوع قراردادها اگرچه در راستای رعایت الزامات قانونی و با هدف صیانت از منابع نفتی از طریق اجرای عملیات تولید توسط شرکت ملی نفت پیش بینی شده، ولی به سبب نیاز زیرساخت های لازم و عدم دسترسی به تکنولوژی نوین برای تولید بهترین چیزهای یک سو و به دلیل نیاز تقابل و استقبال شرکت‌های صاحب تکنولوژی به جنین ساختار نیروی کار و جویی از سوی دیگر، استیابی به هدف ممزود در عمل محقق نشد. ضمناً، در پ"قرارداد بیع متقابل تحت عنوان "مساعدت و پشتیبانی عملیات تولید"، با رویکرد مساعدنی و نه مشارکت مقررات نظیر به‌کاملی یکپارچه تولید را پیش بینی کرده است. به عبارت دیگر، در قرارداد بیع متقابل به سپرخانه‌ای، مهندسی، تکنولوژیک و مکانیکی موجود در تصدی گروه عملیات تولید از سوی شرکت ملی نفت ایران، ضمیمه فوق الذکر به مبتکران بهره‌گیری از خدمات پیمانکار در این عملیات پیش بینی شده است. با این وجود، پیش بینی ضمیمه مزبور، همچنان راه هکار انتخاب شده، بی‌گمانی و حتی زیان باز است؛ زیرا برا رای پیمانکاری که متصدی عملیات توسعه بوده است در عملیات تولید تنها ناجی و فرعي در نظر گرفته شده که این امر با استقبال پیمانکاران نفتی مواجه نمی‌شود. در مقابل، اجرای عملیات تولید شکستگی در اختیار شرکت ملی نفت که نقصی هم در عملیات توسعه نداشت، قرار می‌گیرد. ولی به سبب عدم نیاز استیابی منافع و طرفین در قراردادهای بیع متقابل، همبازی و مساعده پیمانکار در عملیات تولید، صرفاً به مبتکر تأمر یک سوی به منافع خود ایستاده و کارکرد بلندمدت و یکبار با عمر میدان ندارند. همین امر سبب شده است قلمرو

1. Production Support And Assistance
2. Maximum efficient Rate
خدمات در قراردادهای بیع متقابل که ناوبر در عملیات توسعه است و با وجود طراحی مدل اکتشافی - توسعه‌ای برای بیع متقابل، این سازوکار نیز به سبب ماهیت بیع متقابل توقفی برنامه‌ای نیافت (حاتمی و کریمیان، 1393: 70 و 1395: 29).

یکی از ویژگی‌های قرارداد جدید فنی ایران نیز، جامعیت، پیکارچیگی و وابستگی مراحل مختلف عملیات نتیجه شامل عملیات اکتشاف، توسعه و تولید است؛ بر اساس این قرارداد، با اکتشاف میدان تجاری و ارزیابی مکان و احراز قابلیت تولید تجاری از آن برخوردار ورده مرحله توسعه می‌شود؛ سرانجام با اجرای عملیات توسعه، میدان تجاری تحت عملیات تولید و عملیات نگهداری ضریب تولید و ارتقا به بهره‌برداری فت قرار می‌گیرد. در قرارداد مبوم قلمرو خدمات شامل عملیات اکتشاف، توسعه، تولید و عملیات نگهداری ضریب تولید، ارتقا و بهره‌برداری نفت است (حاتمی و کریمیان، 1393: 70 و 1395: 29). در واقع، بهره‌برداری از میدان به صورت یکپارچه و گزینه‌های مالی مدیریتی حداکثر می‌شود و از آنجا که شرکت پیمانکار در دوره بهره‌برداری از میدان حضور دارد و دستمزد تعلق گرفته به وی مستقیماً با میزان تولید از میدان در ارتباط است، پیمانکار تمام تلاش خود را برای حداقل‌کردن نمودن تولید ابناشی از میدان در طول دوره قرارداد به کار خواهد بست (طاهری فرد و صاحب‌نام، 1395: 29).

نظام مالیات بر درآمد

سیستم مالیاتی حاکم بر قراردادهای بیع متقابل در ارائه تفاضل اساسی با دیگر قراردادهای خدمت بوده و مالیات بر درآمد برداختی توسط پیمانکار به عنوان هزینه‌های غیرسرمایه‌ای در حساب پروره منظور شده و در دوره استهلاک مطلوب شرایط مقرر در قرارداد و ضمیمه مربوط به فروش تولیدات میدان به پیمان کار با پرداخت می‌شود. در بین توجهی این دوگانگی، استدلال روشی و وجود نداده؛ در حالی اساس این مالیات گذشت که در قراردادهای بیع متقابل، پیمانکار از برداشت بخش عمده‌ای از مالیات بر درآمد معاف است؛ به عبارت دیگر، در این قراردادها مالیات جنبه صوری داشته و نقش در کنترل میزان درآمد پیمانکار ندارد؛ زیرا مالیاتی یا مالیات‌های متعلق به پیمانکار برداخت شده و عیناً تحت عنوان هزینه‌های غیرسرمایه‌ای به پیمانکار با پرداخت می‌شوند. به این
تحلیل مقایسه‌ای رژیم مالی قراردادهای بیع متقابل

معنا که در زمان اختصاص نفت به پیمانکار، رقم‌ها طوری تعیین می‌شوند که خالص پرداختی به پیمانکار بدون مالیات محسوب شود (حاتمی و کریمیان، 1393: 886). در واقع، طبق توافق میان شرکت ملی نفت ایران و شرکت پیمانکار، پرداخت کننده مالیات بر دو آمد پیمانکار نخواهد بود و از محل عوارض پروژه خواهد بود. این مسئله به نوعی نقض فرض قانون‌گذار در وضع مالیات به عنوان ازار کسب درآمد برای دولت است (رکی حسینی، 1393: 46).

وضعیت مالیات در قرارداد تیز همانند بیع متقابل مناسب نیست. در کلیات ارائه شده از این قرارداد، مصادیق هزینه‌های قانونی ایران تعین نشده و معلوم نیست آیا روبه قرارداد بیع متقابل که پرداخت مالیات از سوی پیمانکار به موقع این قرارداد جنگ صورت دارد، تکرار شده با مالیات بر درآمد وی به مثابه سایر قراردادهای نتفی به صورت واقعی قابل پرداخت است (حاتمی و کریمیان، 1393: 171). در زمان 17 ماده 1 تصویب نامه دولت در تعیین هزینه‌های غیرمستقیم چنین آمده است: "کلیه هزینه‌های پرداختی به دولت، وزارت خانه‌ها و مؤسسات عمومی از جمله شهروندی واشامل و نه محدود به انواع مالیات‌ها، انواع عوارض، گمرک و بیمه تأمین اجتماعی. با توجه به بایر پرداخت هزینه‌های غیرمستقیم، در اینجا تجدید مالیات به یکی یا بیش از دم‌ارزه به شرکت خارجی پرداخت می- شود". این بایر پرداخت مجاز می‌باشد و روح قوانین آمره مالیاتی و بیمه‌ای است. زیرا این قوانین بایر تأمین رفاه اجتماعی وضع گردیده‌اند. مضافاً اینکه در تمام دنیا شرکت‌های پیمانکار در محاسبات خود مالیات‌ها را در نظر گرفته و آنها غیر قابل پذیرش می‌دانند. در مورد شرکت‌های ایرانی که وارد حوزه سوداده مالیات شده و بایر مالیات‌های نتفی از بایر پرداخت هزینه‌های موصوف به جهت تصريحات قانونی در ماده 4 قانون مالیات مستقیم و ماده 35 قانون تأمین اجتماعی امتیاز نمودند. زیرا در این قوانین تصريحی شده این امر وظیفه پیمانکار می‌باشد. لذا اگر قرار باشد این هزینه‌ها برای پیمانکاران خارجی پرداخت گردید اولاً این امر به منزله اعتیاد امتیاز و ایجاد موقعیت انحصاری باید ایجاد در مقابل پیمانکاران ایرانی بوده و ثانیاً می‌توان با مصیبت قانونی و روابطی عمومی بین المللی است.
هزینه‌ها

هزینه‌های سرمایه‌ای در قراردادهای بیع متقابل دارای سقف هستند. البته در نسل سوم، ابتدا سقف هزینه‌های سرمایه‌ای با امضای قرارداد برآورد می‌شود. پس از انجام مهندسی پایه و بر گزاری مناقصه‌ها و ادغام سرویس‌های فرعی به پیمانکاران جز، این میزان دقیق و قطعی هزینه‌های مزبور توسط شرکت ملی نفت و پیمانکار تعین خواهند شد. اما رویکرد نسل سوم قرارداد بیع متقابل در تعیین سقف هزینه‌های سرمایه‌ای به صورت سقف با ۱ نیست و در این مورد نیز سقف هزینه‌های سرمایه‌ای تعیین می‌شود، ولی به جای تخمین هزینه‌های مزبور در هنگام امضای قرارداد و بستن سقف هزینه‌ها بر منیا بر آوردن سرقت گرفته، این هزینه‌ها پس از بر گزاری مناقصه‌ها و ظرف مدت مشخص از تاریخ مؤثر شدن قرارداد، به صورت واقعی و عینی تعیین می‌شوند. هزینه‌محوری قراردادهای بیع متقابل، چالش‌های ماهوی است که به‌مایه این نوع قراردادها و عدم انعطاف و تناسب این قرارداد با الزامات اجرایی پروژه‌های نفتی بازمی‌گردد؛ در واقع ماهیت قرارداد بیع متقابل به گونه‌ای است که هزینه‌محوری جزء ارکان این قراردادها محسوب می‌شود و در نتیجه سازوکار بازیافته هزینه‌ها در این نوع قراردادها، به جای تفاهم و هم‌رایی‌های منابع طرفین، هم‌واره به تعارض این منابع منجر خواهد شد. رویکرد هزینه‌محوری سفر و بستن سقف هزینه‌ها به ایجاد

۱. Open Capex

۲. در پاسخ به این اتفاق گفته شده که اولاً می‌کنند کردن تعیین سقف هزینه‌های سرمایه‌ای بعد از ادغام قراردادهای فرعی به پیمانکاران فرعی بوده و این کار ریسک پیمانکار را کاهش می‌دهد. ثانیاً اساساً تنا هزینه‌های سرمایه‌ای دارای سقف هستند. ثالثاً امکان کاهش یا افزایش هزینه‌های معافایت کارها که توسط است. (براهپیمایی و همگانان، ۱۳۹۱: ۳). لکن در پاسخ به این استدلال شده که اولاً تعیین سقف هزینه‌های سرمایه‌ای پس از ادغام سرمایه‌های فرمی، ریسک افزایش هزینه‌ها در مواردی مانند افزایش هزینه‌ها به دلیل افزایش قیمت‌ها با تغییر بیش- بینیهای اولیه با توجه به شاخص بیشتر از میان را کاهش نمی‌دهد. عوامل موارد افزایش هزینه‌های نفتی نسبت به سقف تعیین شده نیز در این مورد اتفاق می‌افتد. ثالثاً عوامل هزینه‌های نفتی را هزینه‌های سرمایه‌ای پرروزه تشکیل می‌دهند. ثالثاً در موارد تغییر در محصول کارها، سقف هزینه‌های سرمایه‌ای افزایش نمی‌یابد. کاهش یا افزایش کارها نیز با توجه به تعیین اراضی شده در قرارداد، ریسک افزایش قیمت‌ها را کاهش نمی‌دهد (براهپیمایی، ۱۳۹۳: صفحه ۱۱۱).
تحلیل مقایسه‌ای رژیم‌های قراردادهای بیع متقابل...

مساءله بین شرکت نفتی خارجی در افزایش هرچه بیشتر هزینه‌ها و شرکت ملی نفت به کنترل و نظارت بین هزینه‌ها می‌انجامد (حاجتی و کریمیان، 1393: 80). در قرارداد جدید نفتی ایران نیز این جالش به خوبی تخصص داده شده است و برنامه توسعه و هزینه‌های لازم برای اجرای عملیات توسعه فاقد رهایی مختلف به صورت برآوردی تهیه و تعبیه می‌شود. به طوری که رفتار خصوصی و سایر الزامات اجرایی پروژه در طول اجرا عملیات توسعه، مبنا یافته، تجدید نظر و اصلاح برنامه توسعه قرار خواهد گرفت. ویاکنی به منظور اجرای بر میزان هزینه‌های نفتی، به جای معاوضه غیرمعنی‌دار و جالش برانگیز قرارداد بیع متقابل به شرح فوق، از سازوکار برنامه کاری و بودجه سالانه که در هر سال بارای سال بعد عملیات تهیه می‌شود و به تصویب شرکت توسعه‌ای مشترک و شرکت ملی نفت ایران منسق، استفاده شده است. در قرارداد جدید، انحراف از بودجه سالیانه صرفآ تا میزان ۵ درصد مبلغ مصوب هر سال مجاز است؛ در صورتی که مصوب‌های عملیات تولید (شکل میلی نفت ایران با شرکت توسعه‌ای مشترک و پا شرکت تولیدی مشترک حساب مورد) برای اجرای عملیات ارتقا و یا بهبود بازیافت نفت، تزئین سرمایه بی پروژه را ضروری تشخیص دهد، می‌پردازند عملیات را از حیث مالی و فنی حمایت و پشتیبانی خواهد کرد. هزینه‌های مزبور به همراه حق الاحمیه عملیات ارتقا و بهبود بازیافت نفت، به عنوان هزینه‌های نفتی در حساب پروژه منظور شده و مطلوب سازوکار تعیین شده در قرارداد، در دوره بازیافت، مستهلک خواهد شد (حاجتی و کریمیان، 1393: 711).
جدول 1. مقایسه ساختار مالی قراردادهای بیع‌متقابل و

<table>
<thead>
<tr>
<th>بیع‌متقابل</th>
<th>حضور بلندمدت پیمانکار و حداکثری سرمایه‌های در طول مدت قرارداد، تولید صنایع منافع غیرمستقیم و استراتژیک همچون دسترسی بلندمدت به منابع انرژی</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>کوتاه‌مدت بودن قرارداد و در نتیجه عدم توجه به تولید صنایع و عدم امکان تحقق بالاترین نرخ بهره‌وری و پایبندی نفت مطمئن</td>
<td>مدت قرارداد</td>
</tr>
<tr>
<td>عدم حضور پیمانکار در عملیات تولید (با داشتن نقش اندک همباری و مساعدت) و در نتیجه عدم توجه به ارتباط مستقیم دستمزد و در نتیجه تلاش پیمانکار برای حداکثر نمودن تولید ابزاری از میدان در طول دوره قرارداد</td>
<td>یکپارچگی مراحل تولید</td>
</tr>
</tbody>
</table>

ثبت مالیات بر درآمد برداختی توسط

| پیمانکار به عنوان هزینه‌های غیرسرمایه‌ای در حساب پرده و بازپرداخت ن به پیمانکار و در نتیجه معاف بودن پیمانکار از پرداخت مالیات | نظام مالیات بر درآمد |

ثبت مالیات بر درآمد برداختی توسط

| هزینه‌های سرمایه‌ای و در نتیجه تلاش شرکت نفی خارجی در افزایش هزینه‌ها هزینه‌های سرمایه‌ای در حساب پرده | هزینه‌های سرمایه‌ای و در نتیجه تلاش شرکت نفی خارجی در افزایش هزینه‌ها |

در پایان نتایج تحقیق می‌باشد.

TA5 درصد از میزان تبعیض شده در این برنامه جایگزین است.
تحلیل مقایسه‌ای رژیم عالی قراردادهای بیع متقابل

۲۰۷

۵-۲. مقایسه قراردادهای بیع متقابل با قرارداد IPC براساس شاخص‌های سهمی (مطالعه موردی میدان آزادگان)

در قراردادهای نفی، طراحی دقیق و تعامل میان اجزاء مختلف رژیم مالی نقش مهمی ایفا می‌کند. به‌طور کلی از رژیم‌های مالی ممکن است دارای ساختاری ظاهری مشابه باشند، لذا تأثیر آن‌ها بر پروردهای نفی و سهمی متفاوت می‌باشند. می‌تواند کاملاً متفاوت باشد. از سوی دیگر، ساختارها و رژیم‌های مالی متفاوت نیز می‌توانند به ترتیب پیش از این درآمد و میزان سهم‌بری دست یابند. اما برای این نوع، چند اصل اقتصادی راهنمای وجود دارد که می‌توان از آن‌ها به هنگام ارزیابی با طراحی رژیم مالی استفاده کرد. البته استفاده از تجربه کشورها نیز در این میان مهم بسیاری دارد. اصلی ترتیب شاخص‌های ارائه مقایسه‌ای کلی از رژیم‌های مالی، میزان سهم‌بری طرفین از پرورده است که به صورت ارزش فعلي خالص کل درآمد‌های طرفین به عنوان سهمی از درآمد‌های پیش از مالیات تعیین می‌شود (نخله‌، ۲۰۱۰). لذا این مطالعه در نظر دارد ارزش فعلي میزان سهم‌بری پیمان‌کار خارجی را در قرارداد بیع متقابل میدان نفتی آزادگان محاسبه و با استفاده از تکنیک شیب‌سازی، با حالت قرارداد IPC مقایسه نماید.

۵-۲.۱. طرح توسه میدان نفتی آزادگان

میدان نفتی آزادگان در 85 کیلومتری جنوب غربی شهر اهواز در جنوب منطقه هورالعظیم و در 10 کیلومتری مرز کشور عراق واقع شده است. این میدان از لحاظ ساختار زمین‌شناسی دارای 64‌های نقش سروک، کژدمی، گودون و فهلیان می‌باشد. بیش از 90 درصد نفت درجای این میدان در سازند سروک قرار گرفته است که طبق تخمین‌های اولیه 20 میلیارد بشکه ارزیابی گردید و بعدها این میزان به 20 میلیارد بشکه افزایش پیدا نمود (دفتر همکاری‌های فناوری ریاست جمهوری، ۱۳۸۵: ۳۱۲). قرارداد توسه این میدان عظیم بصورت بیع متقابل بین شرکت ملی نفت ایران و

1. guiding economic principles
2. project government/contractor take
3. Nakhle
شرکت INPEX با سهم ۲۵ درصد و مشارکت تأمین مالی نیکو با سهم ۲۵ درصد در فرآیند سال ۱۹۹۴ منعقد شد. اما شرکت زاینده پس از جنگ سال عاملیا و به بهانه‌های عدم امتناع منطقه عملیاتی اقدام خاصی انجام نداد و با افزایش شدید قیمت نفت خام و به تبع آن افزایش شدید هزینه سرمایه‌ای از قرارداد خارج و جای خود را به شرکت توسیع پتروپاران داد. البته پیمان‌گذار با استناد به افزایش شدید قیمت نفت خارج شده است. بررسی اقدامات دوره ایران‌سیر شرکت پتروپاران نشان می‌دهد که به نظرب و برنامگی مصرف و عدم قدرت بر تصمیم‌گیری به‌شدت با فضای پتروپاز حاکم بوده و می‌داند با تأکیدات بسیار به تولید اولیه رسیده است (دهقانی، ۱۳۹۳: ۲۶۳).

مشخصات قراردادی فاز اول پتروپاز به شرح جدول زیر است.

جدول ۲ اطلاعات مالی قرارداد توسیع میدان آرادگان

| هزینه سرمایه‌ای و عملیاتی (CAPEX-OPEX) (میلیون دلار) | ۱۰۲۴ |
| هزینه‌های غیرسرمایه‌ای (NON-CAPEX) (میلیون دلار) | ۲۰۵ |
| هزینه بانکی (BANK-CHARGES) (میلیون دلار) | ۳۲۰ |
| دستمزد ریسک و پاداش (REMUNERATION) (میلیون دلار) | ۶۹۹ |
| فرمول محاسبه هزینه بانکی (درخ) | ۲۷۵ |

مآخذ: دهقانی، ۱۳۹۳: ۲۶۱.

براساس طرح نهایی توسعه میدان نفتی آرادگان، میزان تولید پس از گذشت ۶ سال در سال ۲۰۰۷ به صورت آزمایشی ۵۰ هزار بشکه خواهد بود که در اواست سال ۲۰۰۸ تولید به ۱۵۰ هزار بشکه نفت افزایش خواهد یافت (دفتر مکاشفه نفتی ریاست جمهوری، ۱۳۸۵: ۳۱۴).

۵-۲-۲. محاسبه ارزش فعالی میزان سهم‌پری پیمان‌کار در قرارداد پیش‌مقابل IPC و شیب‌سازی با قرارداد IPC

در این قسمت قصد داریم براساس اطلاعات قراردادهای پیش‌مقابل در میدان مورد مطالعه، به این سؤال پاسخ دهیم که در صورت انعقاد قرارداد IPC چه اضافی برای میزان سهم‌پری پیمان‌کار

1. Japan’s Indonesia Petroleum Exploration
تحلیل مقایسه‌ای رژیم علی قراردادهای بیع متقابل...

می‌دانیم در واقع ما در این مطالعه ارزش فعلي ووجه دریافتی شرکت خارجی را در قرارداد بیع متقابل محاسبه کرده و آن را با حالت محاسبه می‌کنیم. هر کدام که کمتر نشان می‌دهد، منافع کارفرما یا دویزیان ذی‌_PB. بیشتر، جرایک توانته سهم کمتری به پیمان‌کار بدهد. شایان ذکر است امکان محاسبه سهم دولت در قرارداد بیع متقابل و مقایسه آن با قرارداد وجود ندارد زیرا در قرارداد بیع متقابل اساساً پیمان‌کار در مرحله تولید حضور نداشت واز ابتدا مرحله تولید، کار در اختیار دولت قرار می‌گرفته و دولت بانویه به نوان خود اقدام به تولید و فروش نفت می‌کرده است. باتوجه به اینکه قراردادهای blijندم بوده و بخش قابل توجهی از عمر میان را پوشش می‌دهند، فرض کرده‌ایم قرارداد میدان مورد مطالعه که از سال 2007 آغاز شده، تا سال 2016 ادامه بیا می‌کند. بدین ترتیب مدت قرارداد برابر میدان آزاد گان 10 سال می‌شود. با ادامه قرارداد، میزان تولید میدان، در مدت قرارداد ثابت در نظر گرفته شده است. البته برای ایجاد قابلیت مقایسه، فرض کرده‌ایم قرارداد بیع متقابل نیز برای 10 سال ادامه یافته‌ی ایجاد شده که در عمل قراردادهای بیع متقابل کمتر از 10 سال بوده‌اند.

1. هزینه‌ها

هزینه‌های سرمایه‌ای و عملیاتی در قرارداد بیع متقابل با استفاده از رابطه ارزش آنتی اقتصاد مساوی محاسبه می‌شود. اگر با محاسبه ارزش آنتی معادل یک مجموعه برداخت‌های پیکسان (مجموعه‌ای از جرایان تنها نتیجه برابر که در انتهای دوره‌های متوالی رخ می‌دهند) را محاسبه کنیم، از معادله زیر استفاده می‌کنیم (میان ، 2011: 59):

\[
F_p = A_p \left[ \frac{(1+i)^t-1}{i} \right]
\]

(1)

در رابطه فوق، در ارزش آنتی 

\(A_p\) مجموعه برداخت‌های پیکسان (annuity (future value) ) است؛ واقع در اینجا فرض کرده‌ایم که هزینه‌های سرمایه‌ای از تاریخ مؤثر شدن قرارداد تا تاریخ تحويل پرورده به کارفرما در هر سال به نسبت‌های مساوی سرمایه‌گذاری شده‌اند.

1. در اینجا میزان تولید را معادل حداقل میزان تولید روزانه می‌دانم به مطالعات مربوط به قراردادهای بیع متقابل در نظر گرفته‌ام.

2. Mian
برای محاسبه هزینه‌های غیرسرمایه‌ای از رابطه ارزش آتی ($F_V$) (مقداری که در زمان حال دریافت یا سرمایه‌گذاری شده ($P_V$) (با بهره مکرپ) استفاده می‌گردد (میان، 2011: 55): $F_V = \sum_{t=1}^{n-1} (P_V)_t (1 + i_c)^t$

و در نظر گرفته شده است.

1. آزیانس بین المللی انرژی (IEA) در گزارش جشن‌نامه جهانی انرژی در سال 2008، هزینه تولید نفت در خاورمیانه و شمال آسیا را به تعداد 28 دلار در هر بشکه اعلام کرد تا هزینه تولید در میادین مختلف نفتی (ممولی) در نقاط مختلف دنیا را 6 تا 33 دلار بر اورده کرده است.

2. برخی از پژوهش‌ها نشان داده‌اند که هزینه استخراج نیز اضافه می‌شود و این در قرارداد به خوبی تبادل، مرحله تولید به مرحله توزیع متصل است. هزینه استخراج هر بشکه نفت برای ایران در نظر گرفته شده است.

3. از جمله این گزارش‌های نفتی تولید و توزیع برای بررسی هزینه استخراج نفت در ایران حدود 12 دلار است (IEA 2016).
تحلیل مقایسه‌ای رزیم‌های قراردادهای بیع متقابل ...

5-2-4. دستمزد پیمانکار

برای محاسبه حزالت‌جمع و هزینه‌های بانکی (لاپور + 75\%) در قرارداد بیع متقابل از رابطه ارزش

\[ P_v = A_v \left[ \frac{(1+i)^f-1}{i(1+i)^f} \right] \]

در واقع در اینجا فرض کرده‌ایم که این مبالغ در اقساط مساوی و طی یک مدت معین به شرکت

نفی پرداخت می‌گردد. در تمامی رابطه‌های که نرخ لاپور از تاریخ مؤثر شدن قرارداد تا تاریخ

تحویل پروژه در نظر گرفته شده است.

در قرارداد IPC همانطور که اشاره شد، دستمزد و سود پیمانکار (Fee براح طرح‌های نفی)

به صورت دلار در هر بشکه می‌باشد. در قرارداد IPC نیز برای تبدیل دستمزد از فاکتور R به همان

معنا مورد استفاده در قراردادهای مشارکت در تولید با این تفاوت که دیگر بهره مالکانه و مالیات

از هزینه‌ها کسر نمی‌شود) استفاده می‌شود. در کلیات ارائه شده از مدل IPC جدول ذیل برای

دستمزد ارائه شده است؟

1. نرخ بهره در قرارداد مورد توافق قرار می‌گیرد که معمولاً رقمی بالاتر از نرخ لاپور "بوده" که در قراردادهای مورد

معطوله 75\% بعلاوه نرخ لاپور بوده است.
منابع

1. Katebi & Mansourian
برای میادین کوچک (طبق تعیین با دارای بودن 1 میلیارد بشکه نفت درجا) 5/87 دلار به ازای هر بشکه تولیدی به دست آمده است (بهادری، 1395: 23-24). براساس این تعیین و با عنايت به اطلاعات ارائه شده، میزان آزادگان جزو میادین بزرگ با دستمزد 2/71 در نظر گرفته شده است. به علاوه در قراردادهای نفتی عراق نیز که از روش پرداخت Fee per barrel استفاده می‌شود، برای میادین با تولید روزانه 110 تا 170 هزار بشکه در روز (مشابه با میادین مورد مطالعه ماست، پاداش‌هایی نزدیک به این اعداد در نظر گرفته شده است؛

جدول ۴. پرداخت پاداش به ازای هر بشکه در میادین نفتی عراق

<table>
<thead>
<tr>
<th>هدف پلاو‌های نفتی در حداکثر پاداش دلار بارای هر بشکه</th>
<th>میانه</th>
<th>سال مناقصه</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>روز</td>
<td>اجداب</td>
<td>۲۰۰۸</td>
</tr>
<tr>
<td>۶</td>
<td>اجداب</td>
<td>۲۰۰۹</td>
</tr>
<tr>
<td>۵/۵</td>
<td>بدره</td>
<td>۲۰۰۹</td>
</tr>
<tr>
<td>۵</td>
<td>قیامه</td>
<td>۲۰۰۹</td>
</tr>
<tr>
<td>۶</td>
<td>نجمه</td>
<td>۲۰۰۹</td>
</tr>
</tbody>
</table>

مأخذ: موسمه مطالعات انرژی سیحان، ۱۳۹۱: ۱۰

۳-۵. یافته‌های سیاسی

ارزش فعالی خالص دریافتی شرکت نفتی بین‌المللی (IOC) در طرح‌های مربوط به میادین مورد مطالعه در دو حالت بیع متقابل و IPC به شرح جدول ذیل است.

جدول ۵. ارزش فعلی خالص دریافتی شرکت خارجی در بیع متقابل و IPC

<table>
<thead>
<tr>
<th>ارزش فعلی خالص دریافتی</th>
<th>میانه</th>
<th>IPC</th>
<th>بیع متقابل</th>
<th>ایرادگان</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>IOC</td>
<td>۱۷۲۵</td>
<td>۲۰۰۴</td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
</tbody>
</table>

مأخذ: نتایج تحقیق
مطالبی تناجع به‌دست آمده، در طرح توزعه میزان نفی آزادگان، شرکت نفتی بین‌المللی در قالب قرارداد بیع متقابل ۱/۷۵ میلیون دلار (به صورت ارزش واقعی) متفق می‌شود در حالی که اگر این طرح‌ها در قالب IPC دنبال می‌شود، رقم مزیز به ۱/۳۰۰ کاهش می‌یابد.
همان‌طور که اشاره شد، در فروض مربوط به محاسبات، از قیمت‌های واقعی نفت استفاده شده است، لکن چنانچه بخواهیم تحلیل حساسیتی نسبت به قیمت نفت در پایه ۱۰ دلار (با فواصل ۱ دلاری) داشته باشیم، نتایج ذیل حاصل می‌شود.

نمودار ۱. تحلیل حساسیت نسبت به قیمت نفت

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در قرارداد بیع متقابل تغییر قیمت نفت تأثیری بر دریافت‌پس‌رسیدن ندارد، با این حال در مورد حضور نداشته و دریافت‌پس‌رسیدن آن به قیمت نفت مرتبط نیست. به‌این ترتیب در قراردادهای بیع متقابل، بازدهی‌های سرمایه‌گذاری بر منابع قیمت روز پایدار به قیمت نفت تبدیل می‌شود و
تهیه مقایسه‌ای رژیم مالی قراردادهای بیع متقابل...

۲۱۱

طیعاً با کاهش قیمت نفت، پیمان‌کار نفت پیشتری به عنوان اقتصادی دریافت می‌کند و جانبه قیمت نفت افزایش یابد، پیمان‌کار نفت کمتری به دست می‌آورد (حسین‌نژاد، ۲۰۰۹).

لیکن همان‌طور که گفته شد، در قرارداد IPC در بالاترین پیمان‌کار از طریق فاکتور R به صورت کنترل شده با قیمت نفت در ارتباط بوده و همان‌طور که مشاهده می‌شود با افزایش قیمت نفت، سهم پیمان‌کار افزایش یافته، لیکن این افزایش جدی‌ترین پایه توجه نبوده و همچنان وضعیت برای دولت میزبان بهتر است.

۶. نتیجه‌گیری

رژیم مالی یک کشور محصول ایجاد توازن میان منافع دولت میزبان و شرکت‌های بین‌المللی است. کشورهای تولید کننده نفت از رژیم‌های مالی با ویژگی‌های مختلف و مناسب‌بودن با سطح اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و انتظارات از قیمت نفت، استفاده کرده‌اند. آن‌ها می‌توانند میان رژیم‌های امتیازی و ترکیب قراردادی (شامل قراردادهای مشابه قراردادهای منطقه‌ای) از سمت استفاده کنند. در حالی‌که کشور مالی و قراردادی انتخاب شده، دولت ها دارا هستند و سیاست‌های از گروه‌های دیگر برای انتخاب و طراحی رژیم مالی مناسب با شرایط و اهداف کشور خود می‌دارند.

در این مقاله به مقایسه رژیم مالی قراردادهای بیع متقابل با قرارداد IPC پرداخته. بررسی و مقایسه قرارداد بیع متقابل با قرارداد IPC از منظر ملاحظات اقتصادی کارآمدی رژیم مالی باید حداکثر میزان برداشت از میزان (تولید صنعتی)، حداکثر شدن سهم دولت صاحب نفت، نظام مالیات بر درآمد، تعادل ریسک و پاداش و کاهش هزینه‌ها نشان می‌دهد قراردادهای بیع متقابل علیرغم پشت سر نهاده‌های الکتریک در تولید بی‌پرداخت، حداقل تولید را به امر می‌آورد تا هزینه‌های نفتی و حاکم‌الرحمه خود را باید میزان چندان به دست قرار دهد. در این گونه قراردادها تصمیم‌گیری عملیات توسعه، بر عهده پیمان‌کار و تصمیم گیری عملیات تولید با میزان نفت ایران بوده و به دلیل نبود زیرساخت‌های لازم و عدم دسترسی به

1. Hassantash
فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال بیست و ششم، شماره ۸۵، بهار ۱۳۹۷

تکنولوژی نوین، تولید بهینه از چاه‌ها به خطر می‌اندازد. در نظام مالیاتی بیشتر سطح، مالیات‌های متفاوت بوسیله پیمان‌ها به‌دست و عیان‌تر تحت عنوان هزینه‌های غیرسرمایه‌ای به پیمان‌ها بازپرسید می‌شوند. همچنین هزینه‌های سرمایه‌ای در قراردادهای بیش متقابل دارای تفاقم بوده که این مسئله باعث ایجاد مسابقه بین شرکت‌های مختلف در افزایش هزینه‌های نهایی و شرکت می‌کند. در نتیجه این ترافیک، IPC، طولانی‌مدت، در دو و سه، تکامل کلیه مراحل تولید و به‌ویژه تولید حاصل از میادین نفی را در طول عمر میادین به‌داختر رسانده و تولید صنایع را محقق کند. اینه قرارداد IPC همچنان از نگاه مالیاتی معیوب زیرا می‌بود.

از سوی دیگر، مقایسه میزان سهم‌بری پیمان‌کار خارجی برای ارزش فیل سیل در خصوص IPC نسبت به بیش متقابل برای کشور میزان (ایران) می‌توانست متولب‌تر و کم هزینه تر باشد.

منابع

ابراهیمی سیدنصرالله و شریوی، عبدالحسین (1389) "اکتشاف و توسعه میادین نفتی ایران از طریق قراردادهای بیش متقابل" ترجمه امیری، اصفهان، مجله حقوق در بین‌المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، سال ۲۶، شماره ۳۱، ص ۴۲۴-۲۶۲۲.

بیداری، شرکو (1395) "شیوه‌رسانی و نادرست استفاده‌اش از قراردادهای جدید نفتی ایران از نگاه ارزیابی طرح‌های اقتصادی"، ماهنامه اکتشاف و توسعه، شماره ۱۳۳، صص ۲۶-۳۲.

تکلیف، عاطفه (1387) "تغییرات ساختاری در شرکت‌های بین‌المللی نفتی در پی تحولات بزرگ نفت، فنل‌نامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی"، سال‌شماره ۳۴، تابستان ۱۳۸۷، صص ۳۱-۳۵.

حاتمی، علی و کریمیان، اسماعیل (1393) "حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در پترونایون" قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی، تهران، نپا.
تحلیل مقایسه‌ی رژیم‌های قراردادهای بیع متقابل

حسینی، سید حسن (1393)، "فصل‌هایی از تاریخ ایران و جهان به رجوع به نظریه جدید قراردادهای نفتی، دانشگاه امام صادق(ع)." نشریه علمی‌های ایرانی، شماره 1385.

دفتر همکاری‌های فناوری و نفت جمهوری اسلامی (1385)، بررسی پاورپوینت قراردادهای مناسب برای تأمین ملی در بخش بالادستی نفت و گاز (طرح پژوهشی).

دهقانی، تورج (1393)، سرمایه‌گذاری و تأمین ملی پروژه‌های نفت و گاز، تهران: موسسه مطالعات بین‌المللی ارزی.

رکنی حسینی، سید جلال الدین (1393)، "بررسی تطبیق نظام‌های مالی - مالیاتی حاکم بر قراردادهای خدماتی ایران (بعض متقابل) و قراردادهای خدمات و ارائه خدمات در بخش بالادستی نفت و گاز"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

زهیدی، سعد (1388)، "روش‌های مالی و حسابداری در قراردادهای بین‌المللی نفتی و بیع متقابل، تهران: انتشارات بهجت.

شیرودی، عبدالحسین (1393)، حقوق نفت و گاز، تهران: میران.

طاهری فرد، علی و صاحب‌نظر، حامد (1393)، مقایسه قراردادهای بین‌المللی IPC با قراردادهای بیع متقابل، گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

عسکری، محمد‌هدی، شریچیان، محمد و علی طاهری فرد (1394)، تحلیل ساختار مقایسه سطح بهبود سرمایه‌گذاری و تولید نفت در قراردادهای بالادستی بین متقابل مشترک در تولید و قرارداد نفتی ایران، پژوهش‌های اقتصادی، دوی، شماره 15، ص 101-111.

کاظمی نجف آبادی، عباس و غفاری، علیرضا و تکروستا، علی (1394)، ارزش گذاری اقتصادی قراردادهای بیع متقابل گازی در پارس جنوبی از طریق مقایسه با قراردادهای مشترک در تولید، پژوهش‌های اقتصادی ایران، دوی، ص 150-190.

موسوه مطالعات ارزی سیحان (1391)، بررسی تقلید و عراق در تحولات آتی بازار جهانی نفت، تهران.

[ Downloaded from qjerp.ir on 2021-12-16 ]


Katebi, A. and T. Mansourian (2014), New Model of Oil and Gas Contracts IPC, Petroleum University of Technology.


